

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۱۴۲۲ رده بندی کنگره: ب ۲۱/۷۹۹۱۰

اصل صلاحیت دیوان بین المللی کیفری

بر جرایم درخور صلاحیت جهانی

عباس آزادبخت

محقق و پژوهشگر

چکیده

صلاحیت جهانی به این معنا است که محاکم ملی یک کشور بدون هیچ عنصر ارتباطی اعم از قلمرو، تابعیت یا منفعت دولت، اقدام به اعمال صلاحیت نمایند. برخی حقوقدانان معتقدند که صلاحیت جهانی لزوماً توسط دادگاههای داخلی اعمال می شود درحالی که صلاحیت بین المللی از ناحیه دادگاه های بین المللی اجرا می شود. بنابراین فرق اصلی میان این دو اصل، مرجع اعمال کننده صلاحیت است و نباید این دو صلاحیت با هم خلط شوند. هدف و ماهیت اصل صلاحیت جهانی تنها محکومیت و مجازات مرتکبان جرایم بین المللی و یا کسب ضرر و زیان و جبران خسارت به نفع قربانیان نیست، بلکه هدف پیشگیری از جرایمی است که خطر وقوعشان در آینده وجود دارد. در این دورنما، مبارزه و سرکوب جرایم بین المللی چه با هدف تنبیهی و چه پیشگیرانه، حول محور اساسی لزوم پایان بخشیدن به بی عدالتی دور می زند. در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت اصل صلاحیت دیوان بین المللی کیفری بر جرایم درخور صلاحیت جهانی بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی می باشد و ابزار گردآوری داده ها با استفاده از فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مربوط به موضوع است.

واژگان کلیدی: صلاحیت جهانی، دیوان بین المللی کیفری، مجازات، عدالت کیفری، نسل کشی،

صلاحیت بین المللی

بخش اول: بررسی و شناخت اصل صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی عبارت است از گسترش صلاحیت اعمال قوانین کیفری نسبت به جرایم بین المللی. مطابق این اصل، دولت ها حق تعقیب برخی از مجرمین را در داخل قلمرو خود دارند، بدون توجه به اینکه جرم در کجا رخ داده است و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند.^۱ اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی جرایم آن چنان در نظر همه افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می شوند که مرتکب آن ها رami توان دشمن همه ملل فرض کرد. بنابراین هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت.^۲ کمیسیون حقوق بین الملل در پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشر ۱۹۹۶ جنایات علیه بشریت، جنایت نسل زدایی، جرایم علیه سازمان ملل و کارکنان آن و جنایات جنگی را در حوزه صلاحیت جهانی قرار داده است.^۳ علاوه بر جرایم مزبور، قاچاق زنان و دختران، قاچاق کودکان، گروگان گیری، دزدی دریایی، تجارت برده، قاچاق مواد مخدر، تجارت نشریات مستهجن، جعل اسکناس در خارج از کشور، اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیما و نژاد پرستی جرایمی هستند که به موجب معاهدات مربوط مشمول صلاحیت جهانی می باشند. با وجود این شمار جرایمی که به موجب حقوق بین الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می گیرند روبه افزایش است. مثلاً ربودن اشخاص در شرایطی که از جرایم علیه بشریت تلقی نشود، به موجب کنوانسیون آمریکایی ناظر به ربودن اشخاص به عنوان جرمی تلقی شده است که در قلمرو صلاحیت

^۱- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل و جرایم علیه بشریت، مجموعه مقالات حقوق جزای بین الملل، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۷، ص ۳۰

^۲- میر محمد صادقی، حسین، صلاحیت محاکم کیفری در رسیدگی به جنایات بین المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشر دوستانه بین المللی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۷۶

^۳- Draft Code of Crimes Against the peace and Security of Mankind. Articles. ۸, ۹, ۱۷, ۱۸, ۱۹ and ۲۰.

جهانی قرارداد. اخیراً برخی معاهدات چند جانبه برای جرایمی مشخص مانند حمله علیه دیپلمات ها، امنیت هسته ای، تروریسم، آپارتاید و شکنجه نیز صلاحیت جهانی را به رسمیت شناخته اند^۲

بخش دوم: بررسی و تحلیل کیفری جرایم موضوع صلاحیت دیوان بین المللی کیفری

اصل صلاحیت جهانی بطور کلاسیک به عنوان یک اصل حقوقی تعریف شده است که به دولت اجازه می دهد و یا او را ملزم می کند تا در رابطه با جرایم خاص بدون در نظر گرفتن ارتباط سرزمینی با وقوع جرم یا ارتباط آن با مرتکب و یا قربانی جرم از حیث ملیت، مجرم را تحت تعقیب قرار دهد. این وظیفه کلیه ممالک است که با همکاری و معاضدت، علیه دشمن مشترک خود جبهه گرفته و تمام مساعی خود را در مبارزه به کار بندند.^۳ در این صورت است که مرتکبین این جنایات در سراسر دنیا برای خود محل امنی نمی یابند. این هدف ممکن است با تمسک به اصل صلاحیت جهانی از سوی دادگاه های داخلی و یا با تشکیل محاکم کیفری بین المللی تحقق یابد. پذیرش اصل صلاحیت جهانی به عنوان مبنای صلاحیت دیوان، سبب می شود دولت ها بیشتر به اعمال صلاحیت جهانی از طریق دادگاه ای داخلی روی آورند. کشورها در صدد ارتقای نظام حقوق کیفری خود بر می آیند، تا در صورت مواجه شدن با وضعیتی که باید جنایتکاران بین المللی را تحت تعقیب قرار دهند، نظام حقوقی آن ها با مقررات حقوق بین الملل کیفری بخصوص اساسنامه دیوان تطبیق نماید. فصل دوم پیش نویس اساسنامه (شامل مواد ۲۰ تا ۲۵) راجع به جرایمی است که در صلاحیت دیوان و شرایط قبول شکایت و همچنین حقوق قابل اجرا توسط دیوان است. ماده ۵ اساسنامه جرائم ذیل را در صلاحیت دیوان ذکر کرده است:

الف: نسل کشی

ب: تجاوز

^۱ - کامینگا، منوتی؛ اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری، ترجمه دکتر محمد جواد شریعت باقری، مجموعه مقالات حقوق کیفری بین المللی، چاپ نخست، انتشارات جنگل، تابستان ۱۳۸۵، ص ۷۹

^۲ - ا.شبت، ویلیام، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهوی نظری، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴، ص ۸۴

^۳ - میر میرزایی، شهناز، حقوق جزای بین المللی، ماهنامه قضائی، شماره ۵۰، سال ۱۳۴۹، ص ۵۵.

٢

شش اساسنامه، با علم و آگاهی انجام دهد. علاوه بر این تحقق جرم نسل زدایی نیازمند عنصر دیگری، یعنی سوء نیت خاص می باشد. سوء نیت خاص در این مورد عبارت است از قصد نابودی کل یا بخشی از اعضاء یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به اعتبار تعلق آن ها با گروه مورد حمایت. در غیر این صورت ممکن است مرتکب به اتهامات دیگری مثل جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی قابل تعقیب باشد اما به اتهام نسل زدایی قابل تعقیب نیست. فقدان هر یک از عناصر مورد اشاره سبب عدم تحقق جرم نسل زدایی و در نتیجه عدم امکان اعمال صلاحیت دیوان تحت این عنوان می شود.^۱

بند دوم: جنایت علیه بشریت

جنایات علیه بشریت بطور کلی به اعمالی اطلاق می شود که اصول کلی حقوقی مورد اجماع جامعه بشری را نقض نموده و صرفنظر از اینکه کجا و بر علیه چه کسانی صورت می گیرند. اسباب نگرانی جامعه بین المللی را مهیا می نمایند. به عبارت دیگر آثار وخیم آن ها به قلمرو مرزی مشخص، محدود نشده و موجب اضطراب کل جامعه بین المللی می شوند و وجدان بشریت از وقوع آن ها متاثر و مشوش می گردد. به موجب ماده ۷ اساسنامه دیوان، منظور از جنایات علیه بشریت هر یک از اعمال پیش بینی شده در بندهای یازده گانه این ماده است که عبارتند از :

الف : قتل

ب : ریشه کن کردن

ج : به بردگی گرفتن

د : اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت

ه : حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام شود

^۱ -طهماسبی، جواد، پیشین، ص ۲۴۷

و : شکنجه

ز : تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آن ها

ح : تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه ی مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین المللی غیر مجاز شناخته شده است

ط : ناپدید کردن اجباری اشخاص

ی : جنایت تبعیض نژادی

ک : اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه ی شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

این اعمال هنگامی جنایت علیه بشریت محسوب می شوند که در چارچوب یک حمله ی گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشند، اعم از اینکه در زمان صلح باشد یا جنگ. در نتیجه دیوان زمانی می تواند در مورد این جنایات اعمال صلاحیت کند که شرایط یاد شده موجود باشد؛ در غیر این صورت فاقد صلاحیت جهت رسیدگی به این جنایات است. به عبارت دیگر در صورت فقدان این شرایط که در صدر ماده ی ۷ پیش بینی شده اند، یعنی گستردگی و یا سازمان یافتگی جنایات، ارتکاب آن ها بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و علم مرتکب به حمله مورد نظر، اعمال ارتكابی جنایت علیه بشریت به مفهوم تعیین شده در اساسنامه دیوان محسوب نمی شوند و دیوان نیز صلاحیت رسیدگی به آن ها را ندارد.^۱ موضوع بعدی این است که در اساسنامه به عنوان گزینه چنین آمده که جرایم مذکور در صورتی جرم علیه بشریت محسوب می شوند که بطور «سیستماتیک و عمومی که همه ی افراد را برگیرد» واقع شوند. به عبارت دیگر قتل یا شکنجه یک فرد یا افراد معینی بدون آن

^۱ - طهماسبی، جواد، پیشین، صص ۲۳۸-۲۳۷

که خصوصیت همه گیر و عمومی داشته باشد جرم علیه بشریت نیست. نظر هیات نمایندگی ایران در مورد نسل کشی و جرایم علیه بشریت چنین اعلام گردید: در مورد نسل کشی نظر ما بر این است که باید در اساسنامه ذکر شود. در مورد جنایت علیه بشریت ضمن قبول این که این جرایم ممکن است در زمان جنگ یا صلح واقع شوند این جرایم باید «سیستماتیک و عمومی که همه ی افراد را در برگیرد» باشد^۱

بند سوم: جنایات جنگی (جرایم جنگی)

جنایات جنگی قدیمی ترین گروه از چهار دسته جرایمی است که صلاحیت موضوعی دیوان را تشکیل می دهند. پیش از ظهور حقوق کیفری به شکل امروزی، در منازعات مسلحانه همواره ارتکاب اعمال و رفتارهای خاصی ممنوع بوده و سرزنش عمومی را در پی داشته است. در مکتب اسلام دستورات متعددی در مورد رفتار سپاهیان در حین جنگ از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و خلفای راشدی، صادر شده و انضباط و نظم در بین سپاهیان اسلام، همانند سایر شئون زندگی، مورد تاکید بوده است. سربازان و فرماندهان هر یک در زمان جنگ تکالیفی دارند. وظیفه فرمانده آن است که مراقبت نماید تا در سپاه او فرائض و واجبات الهی بنحوی به موقع اجرا گذاشته شود که سپاهیان نه عمل خلاف دینی را مرتکب شوند و نه قانون را نقض نمایند. به همین جهت است که پیامبر اسلام (ص) فرموده است: سربازان خود را از گرایش به فساد... و فریبکاری... و زنا بازدارید^۲ بطور کلی بر اساس موازین اسلام تعرض به افراد غیر نظامی و افرادی که در جنگ دخالت مستقیم نداشته اند، بخصوص زنان، کودکان، افراد مریض و سالخورده‌گان و نیز افرادی که سلاح بر زمین گذاشته اند یا از جنگیدن فرو مانده اند مثل مجروحان، اسیران و تسلیم شدگان از سپاه دشمن، ممنوع و موجب سرزنش است. امروزه تمامی دولت ها مکلفند در حقوق داخلی خود نقض فاحش قواعد و عرف های جنگی را جرم تلقی نموده و مرتکبان آن ها را تحت تعقیب کیفری قرار دهند. زیرا قواعد کنوانسیون های ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹)^۳ دائر بر الزام دولت ها به

^۱ - شریعت باقری، محمد جواد، حقوق کیفری بین المللی، پیشین ص ۲۱۳

^۲ - رشید، احمد، اسلام و حقوق بین المللی عمومی، ترجمه حسین سیدی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۳۷.

^۳ - کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (۱۲ اوت)

تعقیب کیفری مرتکبان نقض فاحش مقررات این کنوانسیون ها، عرفی شده و دولت ها مکلفند ساز و کار تقنینی و قضایی اجرای این تکلیف را در نظام حقوقی خود فراهم آورند. اما با توجه به اینکه مرتکبین این اعمال معمولاً حاکمان و صاحب منصبان هستند، بخصوص زمانی که در سطح وسیع و در قالب برنامه های جنگی یک حکومت ارتکاب یابند، لذا سازو کارهای ملی برای اجرای عدالت کافی نبوده و بر همین اساس نقض این دسته از حقوق بشر دوستانه ی بین المللی در حقوق بین الملل مورد توجه ویژه می باشد. از دیدگاه حقوق بین المللی، جنایات جنگی به نقض فاحش قواعد بشردوستانه بین المللی یعنی مقررات و عرف های حاکم بر منازعات مسلحانه اطلاق می شود. البته حقوق بشر دوستانه بین المللی شامل یک سلسله وسیع از قواعد تکنیکی است که نمی توان نقض همه آن ها را جنایت جنگی تلقی کرد. اینکه نقض کدامیک از این قواعد جنایت جنگی محسوب می شود، یکی از چالش های حقوق بین الملل کیفری است.^۱ دیوان نسبت به جرایم جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که این جرایم در قالب یک برنامه یا یک سیاست صورت پذیرفته یا جزیی از یک زنجیره جرایم مشابه باشد که در سطح گسترده ارتکاب یافته است.^۲

بند چهارم: جنایت تجاوز

تجاوز به عنوان مهم ترین عامل تهدید کننده صلح و امنیت جهانی در منشور سازمان ملل متحد نیز با تعبیر « تهدید علیه صلح » و « نقض صلح » مورد توجه قرار گرفته است. مهمترین مانع تعقیب مرتکبین این جنایت از گذشته تا بحال عدم موفقیت سازمان ها و مجامع بین المللی در ارائه تعریفی مورد قبول از این جنایت است. جنایت تجاوز در فهرست جرایم داخل در صلاحیت دیوان قرارداد درحالی که بسیاری از کشورها معتقد بودند اصولی تر آن بود که جنایت تجاوز خارج از صلاحیت دیوان بین المللی کیفری قرار می گرفت. نظریات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران به طور قاطع براین است که دیوان بین المللی کیفری می بایست به رسیدگی به جرم تجاوز صلاحیت داشته باشد.^۳ به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان،

^۱ -طهماسبی، جواد؛پیشین صص ۲۰۴-۲۰۳-۲۰۲-۲۰۱

^۲ -شریعت باقری، محمد جواد؛اسناد دیوان کیفری بین المللی؛پیشین ص ۱۰

^۳ -همان، ص ۲۱۱

جنایت تجاوز یکی از جنایات مشمول صلاحیت موضوعی دیوان است. اما اعمال صلاحیت دیوان زمانی مقدور است که مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، مقررات مربوط به این جنایت شامل تعریف و تعیین شروطی که دیوان به موجب آن در خصوص جنایت تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد، تصویب شده باشد. این مقررات باید هماهنگ با مقررات مربوط در منشور ملل متحد باشد^۱

بند پنجم: جرایم قراردادی

صرف نظر از سرنوشت نهایی اعمال صلاحیت دیوان بین المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز، احتمال می رود جنایات بین المللی دیگری نیز علاوه بر آنچه در ماده ۵ اساسنامه دیوان احصاء شده است، در آینده با انجام اصلاحاتی مطابق ماده ۱۲۱ یا ماده ۱۲۳ اساسنامه، تحت صلاحیت دیوان قرار گیرند. در این میان، نامزدهای اصلی عبارتند از: قاچاق بین المللی مواد مخدر و داروهای روان گردان و نیز دهشت افکنی بین المللی (تروریسم)، اینها همان به اصطلاح ((جرایم ناشی از قرارداد)) هستند که در متون اولیه اساسنامه پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل برای یک دادگاه کیفری بین المللی، منظور شده بودند. ایالات متحده با وضع جرایم جدیدی که تا آن تاریخ، مورد پذیرش قرار نگرفته بودند، مخالفت ورزید و از کشورهای دیگر خواست تا از ارائه تعریف جرایمی که تا آن موقع، به وضوح بر اساس حقوق بین المللی جرم شناخته نشده بود، خودداری نمایند. وحشت از این که مبدا منابع اطلاعاتی دیوان در معرض خطر افشاء قرار گیرد، موجب آن شد که شریک شدن با دیوان در اطلاعات محرمانه مربوط به دهشت افکنان یا قاچاقچیان بین المللی موانع مخدر یا روان گردان نامطلوب باشد. در کنفرانس رم اکثریت دولت ها هم عقیده بودند که شایسته است کنفرانس مزبور، قواعد حقوق بین المللی عرفی را که از قبل موجود بود، تدوین کند و فقط نسل زدایی، جنایات جنگی و جنایات بر ضد بشریت چنین موقعیتی در حقوق عرفی کسب کرده بودند. دهشت افکنی و قاچاق بین المللی مواد مخدر و روان گردان، صرفاً ((ناشی از قرارداد)) هستند، به این معنا که فقط در قلمرو دولت های عضو معاهدات بین المللی مربوط به این موضوعات، قابل مجازات می باشند و این دولت ها ممکن است لزوماً از دول عضو اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نباشند. برای رسیدن به یک نوع مصالحه، قطعنامه پنجم که به صورت بخشی از مصوبات،

^۱ - طهماسبی، جواد، پیشین، صص ۲۵۸-۲۵۹



توسط کنفرانس رم صادر گردید، توصیه نمود که کنفرانس بازنگری، از جمله مساله شمول صلاحیت دیوان را نسبت به این دو جنایت، بررسی کند.^۱

بخش سوم: دیوان بین المللی کیفری واصل صلاحیت جهانی

آرزوی ایجاد یک دادگاه دائمی و مستقل بین المللی برای تعقیب مجازات مجرمان بین المللی سال ها دنبال می شد. اما طرح آن به صورت جدی از همان سال ها آغازین تاسیس سازمان ملل متحد پیگیری شد. تصویب اساسنامه ی دادگاه نورمبرگ توسط مجمع عمومی، تشکیل دادگاه های یوگسلاوی و رواندا و تصویب قطعنامه ی شماره ۳۳ و ۴۷ مجمع عمومی که به موجب آن کمیسیون حقوق بین الملل مأموریت یافت تا پیش نویس اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی را تدوین نماید، گامی اساسی و مهم برای تحقق بخشیدن به آرزوی تشکیل یک دادگاه کیفری مستقل ودائمی بین المللی محسوب می شوند. نهایتا پس از آماده شدن پیش نویس اساسنامه توسط کمیسیون حقوق بین الملل و آمادگی افکار عمومی جامعه ی بین المللی کمیته ای ویژه برای بررسی پیش نویس تکمیل شد و سپس کمیته ی مقدماتی برگزاری کنفرانس دیپلماتیک رم را میسر ساخت. کنفرانس رم از تاریخ ۱۵ ژوئن لغایت ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ با حضور ۱۶۰ تن از نمایندگان تام الاختیار ملل متحد و ۳ سازمان بین المللی و سازمان های غیر دولتی تشکیل شد و با تصویب ۱۲۰ نفر از نمایندگان اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی در ۱۲۸ ماده به تصویب اکثریت رسید.^۲ اساسنامه ی دیوان نه تنها وابسته به شواری امنیت نیست، بلکه به عنوان یک نهاد مستقل از سازمان ملل حیاتی دائمی دارد. هرچند به موجب اساسنامه دیوان کاملا در ارتباط با ارکان سازمان ملل است، اما این رابطه، رابطه ای عرضی است نه طولی. البته باید اذعان داشت که قدرت های بزرگ توانسته اند در پاره ای موارد موانعی در راه صلاحیت کامل دیوان ایجاد کنند. امتیازات احصا شده برای شواری امنیت در خصوص جرم تجاوز و منع عملی و موقت دیوان رسیدگی به این جنایت، براساس بند ۲ از ماده ی ۵ مورد بارز آن است.^۳ یکی از مهم ترین و شاید پیچیده ترین مباحث درباره ی دادگاه

^۱ - کریانک ساک کیتی شیایری، حقوق بین الملل کیفری، پیشین صص ۴۲۵-۴۲۴

^۲ - دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، مقاله های «سازمان ملل متحد دیوان کیفری بین المللی» سعید میرزایی نیگجه، ص ۲۴۷، صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی «محمد جواد شریعت باقری ص ۷۱؛ مقاله دیوان کیفری بین المللی در یک نگاه، اسحاق آل حبیب، ص ۲۴۵

های کنونی بین المللی، بحث صلاحیت این محاکم است. صلاحیت ذاتی و نسبی این دادگاه ها ماهیتی پیچیده و متفاوت از قواعد صلاحیت در حقوق داخلی دارد و مستلزم ایجاد قواعدی جدید است^۱ در اصل اول اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این گونه مقرر شده است که این دیوان به عنوان یک نهاد دایمی تاسیس گردیده که می تواند صلاحیت خود را نسبت به افرادی اعمال نماید که جنایات سنگینی را مرتکب شده اند، و از نظر این اساسنامه جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت و تجاوز تلقی می گردد. در بند ۴ اصل ۹۹ اساسنامه آمده است که دیوان کیفری بین المللی می تواند حتی بدون همکاری دولتها، در قلمرو سرزمینی دولتی که این جرایم در آن واقع شده است یا احتمال می رود که این جرایم در آن واقع شده باشد، به تحقیق و رسیدگی پردازد و نیازه کسب اجازه از سیستم قضایی کشور مربوط ندارد. در توجیه این مساله نیز بیان می دارد که این قدرت قضایی برای رسیدن به یک دادرسی کامل ضرورت دارد. از سوی دیگر اساسنامه دیوان ((صلاحیت)) دیوان را صلاحیت ((تکمیلی)) می داند به این معنا که صلاحیت دیوان مکمل صلاحیت سیستم قضایی دولتهاست. در اصول دیگری از این اساسنامه نیز بر صلاحیت کامل و بی چون و چرای دیوان کیفری بین المللی تاکید شده است^۲. مساله در تعارض احتمالی میان صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و سیستم قضایی دادگاههای ملی کشور ها این است که چگونه ((صلاحیت تکمیلی)) دیوان می تواند در نظام قضایی کشورها مورد پذیرش قرار گیرد و یا و رای پذیرش در سیستم قضایی کشورها اعمال گردد؟ اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می دارد ((حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد)) همان گونه که اصل ۳۲ تصریح می کند ((هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید بلافاصله با ذکر دلایل کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و داکتر ظرف بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود))^۳ در اصل ۳۳ قانون اساسی سایر مجازات ها را نیز موقوف به حکم ((قانون)) کرده است ((هیچ کس رانمی توان از محل اقامت خود

^۱ -خلیلی صالحی، محمد، مقاله مقایسه اساسنامه های دادگاه یوگسلاوی، نورمبرگ و دیوان کیفری بین المللی (ازجیت منشاء حقوقی و صلاحیت) ص ۹۷

^۲ -پورهاشمی، سید عباس، دیوان کیفری بین المللی تا نگاهی به حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۴، ص ۹۱-۹۲

^۳ -قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین حجتی اشرفی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶

تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.) همچنین در اصول دیگر قانون اساسی مثل اصل ۳۵، ۳۴ و ۳۸ هرگونه اقرار، اعتراف، دادرسی و مجازات را موقوف به حکم قانون کرده است. اینک در مرحله اول این سوال مطرح می شود که آیا ((حقوق بین الملل)) که در دیوان کیفری بین المللی به عنوان مرجع رسیدگی مطرح می شود، در حقوق ایران ((قانون)) محسوب می شود یا خیر؟ ماده ۹ قانون مدنی ایران مقررات عهودی را که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون می داند.^۱ از این رو در قضیه ای کیفری، اگر دیوان کیفری بین المللی به منابعی استناد کند که طبق قانون ایران قبلاً مراحل تصویب آن مطابق قانون اساسی طی شده است، مشکلی به نظر نمی رسد اما مساله آن است که اگر دیوان کیفری بین المللی به قانونی بین المللی استناد کند که اتفاقاً آن منبع حقوقی، مطابق قانون اساسی یا مصوبات مجلس شورای اسلامی، مورد پذیرش ایران قرار نگرفته باشد، تکلیف چیست؟ ازسوی دیگر، حتی در فرض ((اعتبار)) مستندات دیوان کیفری بین المللی، آیا این دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه اتباع ایران را دارد؟ بدیهی است صلاحیت دیوان درباره ی اتباع ایرانی زمانی صادق است که قبل از هر چیز دولت ایران به این اساسنامه ملحق شده باشد یا اتباع ایرانی در کشوری مرتکب جرم شده باشند که آن کشور اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را پذیرفته باشد. بنابراین یکی از مسائل مهم در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی، ((صلاحیت تکمیلی)) آن است که با صلاحیت ((انحصاری)) محاکم و دادگاههای جمهوری اسلامی ایران سازگاری ندارد، بویژه در مواردی که اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین المللی بدون اجازه سیستم قضایی ایران صورت گیرد، که یکی از نکات مبهم و پیچیده ی رابطه ی این دیوان با حقوق داخلی ایران محسوب می شود.

بخش چهارم: مبنای صلاحیت دیوان بین المللی کیفری

دیوان کیفری بین المللی، پس از تلاش های زیاد سرانجام برای تحقق بخشیدن به ایده های بلند بین المللی شکل گرفت در حالی که ملاحظات سیاسی اعضای جامعه بین المللی آن را احاطه کرده است و ناگزیر باید در میان مناسبات و روابط حاکم بر جهان به حیات خود ادامه دهد یکی از مباحث مهم از بدو

^۱ - قانون مدنی ایران، مصوب ۱۸ شهریور ۱۳۰۷ و اصلاحی مصوب ۱۴/۸/۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی

تاسیس و پس از آن، کشف این حقیقت بوده است که آیا تدوین کنندگان اساسنامه، دیوان را از جنبه ی ((صلاحیت)) برای رسیدن به اهداف پیش بینی شده برای آن مجهز و مهیا نموده اند یا خیر؟ و آیا آن طور که انتظار می رفت صلاحیت دیوان، صلاحیتی جهانی است یا با توجه به محدودیت های مقرر در اساسنامه^۱، این دادگاه فقط دارای صلاحیت سرزمینی یا شخصی می باشد؟ درجریان مذاکرات کنفرانس رم، بحث هایی در زمینه ماهیت صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و به طور مشخص تر در مورد ضرورت تدوین پیش شرط های اعمال صلاحیت دیوان انجام شد. در مورد ماهیت صلاحیت دیوان دیدگاه های مختلفی در پیش نویس اساسنامه مطرح شده بود این اختلاف نظرها از سویی مربوط به کشورهایی بود که خواهان اعطای صلاحیت جهانی به دیوان بودند و درسوی دیگر کشورهایی قرار داشتند که رضایت دولت های ذی ربط را برای اعمال صلاحیت دیوان لازم می دانستند.^۲ در کنفرانس دیپلماتیک رم، مخالفتی وجود نداشت که جنایات مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، یعنی ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی مطابق حقوق بین الملل عرفی موضوع اصل صلاحیت جهانی قرار دارند و به بیان دیگر تدوین کنندگان اساسنامه بطور ضمنی قائل بودند که برای رسیدگی به جنایاتی نظیر ژنوسید... در دادگاهی رضایت دولت سرزمینی یا دولت متبوع ضروری نیست. با وجود این رعایت برخی ملاحظات سیاسی و احترام به حاکمیت دولت ها، نمایندگان را بر آن داشت که رژیم ((رضایت)) را به عنوان محدودیتی بر صلاحیت ذاتی دیوان اعمال نمایند.^۳ و این در حالی است که اگر دیوان را به عنوان یک دادگاه کیفری تصور کنیم که وظیفه اش تعقیب و محاکمه افراد متهم به ارتکاب جنایات بین المللی است آنگاه این دادگاه باید دارای صلاحیت اجباری باشد تا احتمال فرار مرتکبین از اجرای عدالت به حداقل ممکن برسد از این منظر اگر موضوع مشمول صلاحیت دیوان، محدود به جنایات شناخته شده بین المللی گردد و روند رسیدگی دیوان نیز منصفانه و عادلانه باشد علی الاصول هیچ دولتی

^۱ - ماده ۱۲ اساسنامه «..... ۲-درحالت ماده ۱۳ بند الف یاج (ارجاع توسط دولت عضو یا شروع تحقیق توسط دادستان)، دیوان در صورتی می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که حداقل یکی از دولتهای ذیل عضو این اساسنامه باشند یا صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند: الف-دولتی که در قلمرو آن فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده..... ب- دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است»

^۲ - فروغی، فضل ا...؛ اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری داخلی و بین الملل، سال ۱۳۸۶، رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ص ۳۱۲

^۳ - Abass, Ademola, (۲۰۰۶) The in thenational criminal court and universal Jurisdisdiction, In International criminal Law Review, vol. ۶. p. ۳۷۰-۳۷۱

چه عضو و چه غیر عضو نباید اعتراضی مشروع و قانونی به اعمال صلاحیت دیوان بر اتباعش داشته باشد. اما نکته مهم آنجا است که تصور دیوان کیفری بین المللی به عنوان دادگاه کیفری ناب و خالص، بدون در نظر گرفتن روابط و ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک جهان معاصر که آن را احاطه کرده است، قطعاً تصویری واقعی و کامل نخواهد بود.^۱ به رغم وجود نظرات مختلف در تایید یا در اعطای صلاحیت جهانی به دیوان، در اساسنامه چنین صلاحیتی به طور صریح به دیوان داده نشده است و با وجود آنکه برخی قائلند تنها چیزی که می توانست دیوان کیفری بین المللی را در رسیدن به اهداف و انجام رسالت خود یاری رساند این بود که مانند هریک از اعضای جامعه ی بین المللی بتواند به موجب صلاحیت جهانی عمل نماید.^۲ به نظر می رسد که این عقیده تا حدودی اغراق آمیز است، زیرا حتی با اعطای صلاحیت جهانی به دیوان، بعید بود که کمک زیادی به دیوان، در راستای تحقق عدالت جهانی بشود. اعطای چنین صلاحیتی به دیوان، شاید فقط تایید بدون پشتوانه عملی از یک اصل صلاحیتی مهم است البته این امر قطعاً اقدام دولت های غیر عضو را در رسیدگی داخلی به جنایات بین المللی ارتقاء می بخشد و ضمناً این امکان هم وجود داشت که دیوان بر مبنای صلاحیت جهانی محاکمات موفقی انجام دهد، همانطور که در مورد برخی دولت ها چنین شده است، اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که، پیش بینی یک شکل غیر موثر از صلاحیت جهانی نیز احتمالاً مخالفت شدید دولت های غیر عضو را با دیوان و اصل صلاحیت جهانی بر می انگیزد. در واقع حدود یک صد دولت امضاء کننده اساسنامه، گرچه میزان قابل توجهی از درک جامعه جهانی را به تصویر می کشد، اما این به منزله ی جهانی بودن آن نیست. اگر دیوان دارای صلاحیت جهانی بود، به نظر می رسید که تعداد اعضای آن خیلی کمتر از تعداد فعلی بود و با کاهش تعداد اعضا بار ادله اثبات بر عهده ی شماری معدود از دولت ها قرار می گرفت که احتمالاً بودجه چندان زیادی را برای دیوان اختصاص داده اند و بنابراین دایره ی عمل دیوان محدودتر می گشت.^۳

^۱ - زمانی، قاسم وحسینی اکبرنژاد؛ هاله؛ اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین المللی، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۰۸

^۲ - فروغی، همان، ص ۳۱۶

^۳ - زمانی، حسینی اکبرنژاد، همان، ص ۲۱۲

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت اصل صلاحیت جهانی بدین معنی می باشد که درپاره ای از جرایم بین المللی هرچند در خارج از قلمرو حاکمیت یک دولت اتفاق بیفتد و متهم و مجنی علیه نیز تبعه آن کشور نباشد، در صورتی که متهم در آن کشور یافت شود می تواند مورد تعقیب یا محاکمه قرار گیرد. ماده ۸ قانون مجازات اسلامی، اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته و اشعار می دارد «درمورد جرایمی که موجب قانون خاص یا عهود بین المللی مرتکب درهر کشور ی که بدست آید، محاکمه می شود اگر درایران دستگیر شد. طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد» البته باید توجه داشت مفهوم صلاحیت جهانی از دو سو روبه توسعه است: از یک سو جرایم دیگری، به جز آنچه دولت متبوع قاضی به موجب عهد نامه یا قانون، ملزم به اجرای آن است می تواند مشمول صلاحیت جهانی باشد. جرایم علیه بشریت، نسل کشی، جرایم جنگی و تجاوز به ویژه از جرایمی هستند که دولت ها موظفند متهمین به آنها در هر جا و ازسوی هر کسی اتفاق افتاده محاکمه نمایند. از سوی دیگر دستگیری متهم در قلمرو کشور قاضی شرط اعمال صلاحیت محاکم نیست. محاکم می توانند تحقیقات مقدماتی را تا زمان دستگیری متهم و عنداللزوم در خواست استرداد وی را انجام دهند. بنابراین صلاحیت جهانی نوعی دیگر از صلاحیت فرا سرزمینی است و مبتنی بر تعهدات ناشی از کنوانسیون ها و تعهدات عام الشمول است. تمام دولتها نسبت به تعهدات عام الشمول و دولت های عضو کنوانسیون نسبت به تعهدات کنوانسیونی خود متعهد به اجرای آن می می باشند.

در جمع بندی کلی تمامی مباحث باید متوجه شده باشید صلاحیت قضایی جهانی یک اصل حقوقی است که به دولت ها یا سازمان های بین المللی اجازه می دهد که درخصوص یک متهم، ادعای صلاحیت کیفری کنند، فارغ از اینکه کجا مرتکب جرم شده، ملیت او چیست و در چه کشوری اقامت دارد. جرایم مشمول صلاحیت قضایی جهانی جرایمی بسیار جدی و علیه کل بشریت قلمداد می شوند و به همین خاطر محدودیت های صلاحیتی بر آنها اعمال نمی شود. این اصل به دادگاه های داخلی کشورها اجازه می دهد بدون توجه به این که جرم در چه کشوری رخ داده و بدون در نظر گرفتن ملیت متهم، او را در دادگاه های داخلی کشور تحت پیگرد قرار بدهند. مفهوم صلاحیت قضایی جهانی، ارتباط نزدیکی با این ایده دارد که



برخی از هنجارهای بین‌المللی جز تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی (*erga omnes*) هستند و برخی ماهیت قاعده‌آمره دارند، یعنی برخی تعهدات در چارچوب حقوق بین‌الملل برای همگی دولت‌های جهان لازم‌الاجرا هستند^{۱۲} و ذی‌نفع این تعهدات در واقع کل جامعه بین‌المللی است. به گفته سازمان عفو بین‌الملل که یکی از مدافعان صلاحیت قضایی جهانی است، برخی جرایم تهدیدی چنان جدی علیه کلیت جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کنند که دولت‌ها به جهت منطقی و اخلاقی وظیفه دارند که فرد یا افراد مسئول را تحت پیگرد قرار بدهند و هیچ کشوری نباید برای افرادی که مرتکب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، اعدام خودسرانه، جنایت جنگی، شکنجه یا ناپدیدسازی قهری، پناهگاه و جای امن باشد. در قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت سازمان ملل که در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ به تصویب رسید، ضمن تایید «مفاد بند ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی اجلاس جهانی سال ۲۰۰۵ درخصوص مسئولیت نسبت به حفاظت از جمعیت‌ها در مقابل نسل‌کشی، جنایت جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت»، شورای امنیت خود را موظف به اقدام برای حفاظت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه کرده است.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

- آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، جلد دوم
- ابراهیمی، محمد، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ دوم، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵
- بولوک، برناردو دیگران، آیین دادرسی (موضوع و نهادهای دادرسی کیفری)، ترجمه دکتر حسن دادبان، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵، جلد اول
- پوربافرانی، حسن، اصل صلاحیت جهانی، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تحلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۵
- حسینی نژاد، حسینقلی؛ حقوق کیفری بین المللی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۹
- سلیمی، صادق، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل و حقوق کیفری ایران، چاپ نخست، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۹۲
- شاو، ملک؛ حقوق بین الملل، ترجمه محمد حسین وقار، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷
- شبت، ویلیام، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهوی نظری، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴
- شریعت باقری، محمد جواد، اسناد دیوان کیفری بین المللی، جنگل، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۹۷



- طهماسبی، جواد؛ صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۹
- عسگری پور، حمید، مجموعه کامل قوانین داخلی وقواعد بین المللی مواد مخدر، چاپ دوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۶، تهران
- کامینگا، منوتی؛ اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری، ترجمه دکتر محمد جواد شریعت باقری، مجموعه مقالات حقوق کیفری بین المللی، چاپ نخست، انتشارات جنگل، تابستان ۱۳۸۵

(ب) مقالات فارسی

- آزمایش، علی؛ تقریرات درس حقوق بین الملل کیفری، کارشناسی ارشد، سال تحصیلی ۸۱-۸۰، دانشکده حقوق دانشگاه تهران
- اردبیلی، محمدعلی، کشتار جمعی مجله حقوقی، شماره یازدهم، چاپ، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری.
- پورهایمی، سیدعباس، دیوان کیفری بین المللی تا نگاهی به حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۴
- جنت مکان، حسین، نظارت قضایی بر تشخیص دادستان کیفری بین المللی، مجله ی حقوقی، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل ریاست جمهوری، شماره ی ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷
- خزایی، منوچهر؛ تقریرات حقوق جزای بین الملل، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی

- خلیلی صالحی، محمد، مقاله مقایسه اساسنامه های دادگاه یوگسلاوی نورمبرگ و دیوان کیفری بین‌المللی (از حیث منشاء حقوقی و صلاحیت)
- رنجبریان، امیر حسین، «قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، ۱۳۸۱
- زمانی، قاسم وحسینی اکبرنژاد؛ هاله؛ اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸،
- صابر، محمود، آیین تعقیب جنایات در دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۹، شماره ی ۲، تابستان ۱۳۸۸،
- فروغی، فضل ا...؛ اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری داخلی و بین الملل، سال ۱۳۸۶، رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران
- کریم پور، مریم، اصل صلاحیت جهانی در حقوق ایران و حقوق جزای بین الملل، سال ۱۳۸۴، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

ج) منابع لاتین

- Bassiouni, M. Cherif. (۲۰۲۱). *Crimes Against Humanity in International law*. Dordrecht/ London/ Boston: Kluwer law International
- Cassese Antonio, "On The Current Trends Towards Criminal Prosecution And Punishment Of Breaches Of International Humanitarin Law", *European Journal Of International Law*, (۱۹۹۸)



- Dalloz Repertoire De Droit Pénal Et De Procédure Pénale (۲^e Edition) Mise AJour ۱۹۹۲, Tome II, Circonstances Aggravantes á Douanes Philippe Pierre Cailler (Competence Internationale)
- -J.Wilson Richard, “Prosecuting Pinochet : International Crimes In Spanish Domestic Law”, Human Rights Quarterly, Vol ۲۱/۲۰۱۴.
- Randall, Kenneth, C. (۲۰۱۷). *Universal Jurisdiction Under International Law*,
- Reydam, Luc. (۲۰۲۱). *Universal Jurisdiction* New York: Oxford university press Inc
- S. Brown Bartram, “The Evolving Concept Of Universal Jurisdiction”, NewEngland Law Review, Vol.۳۵:۲, ۲۰۱۹



**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه



دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش



پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش

روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، رویکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))